

نویسنده : باب اودوارد (Bob Woodward).

منبع و تاریخ نشر (واشنگتن پست 18-11-2002)

برگردان : پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

کشودن راه توسط سازمان (سی آی ای) با پرداخت پول نقده

(واشنگتن پست . کام)

CIA Led Way With Cash Handouts

Washington post .com

ما چطور به پنجشیر رفتیم و به جنگ سالاران و قوماندانان ایتلاف شمال بخاطر هجوم بالای افغانستان با پرداخت دالر نقده از آنها اجازه ورود گرفتیم؟

گلچین از کتاب (بوش در جنگ) بتاسی از مناظره و جری بحث داخلی در اداره بوش در دومین روز از سه روز که توسط باب اودوارد «Bob Woodward» نگاشته میشود اداره بوش چنین فیصله بعمل آورد که باید به رهبری ایالات متحده امریکا علیه افغانستان اقدام نظامی صورت گیرد و علیه « صدام حسین » ریس جمهور عراق شد بداً مقابله شود (سیمیون وشوستر. کاپی رایت 2002) .



محمد فهیم «قسیم» در سمت چپ قومندان ایتلاف شمال
ورود و از کمک های (سی آی ای) با تعجب اظهار سپاس
می نماید از اینکه ایالات متحده امریکا به راستی بالای
افغانستان اقدام نظامی مینماید

بتاریخ «26» سپتمبر سال (2001) ساعت (12:30) شخص نیرومند و قوی هیکل
(50) ساله با داشتن عینک آفتابی بر چهره بشا شی را دیدم که در عقب سیت هلیکوپتر

(MI 17) ساخت روسیه متعلق به سازمان سیا (سی آی ای) نشسته هلیکوپتری که با فشار ارتفاع (1500) فت را میگرفت و در حال صعود بود و از بالای مرز انجمن پنجشیر عبور و به دره پنجشیر در شمال شرق افغانستان مواصلت نموده به زمین نشست .

گاری (Gary) یک افسر تحت پوشش سازمان سیا (سی آی ای) که به نسبت پنهانکاری نام اصلی او بکار برده نمیشد اولین کسی بود که موج پر از انتقاد جنگ ریس جمهور «بوش» را علیه تروریسم رهبری و راهنمایی میکرد و همراه با او یک تیم از افسران شبهه نظمی تحت پوشش متعلق به سازمان سیا (سی آی ای) مجهز با تمام وسایل و تجهیزات پیشرفته ای مخابراتی بود که آنها این مجوز را داشتند که در لانگلی (Langley) مرکز و مقعر سازمان مستقیماً تماس گیرند و آن ستاد را از روند اوضاع مطلع سازند افزون بر آن در تحت پاهای آقای گاری (Gary) چمدان آهنی بزرگی که با تسمه بسته و او یخته شده بود و در آن سه میلیون دلار از بندل های مسلسل صد دالری پول مروج ایالات متحده امریکا (دالر) جا بجا شده بود نیز به مشاهده میرسید اوطی صحبتی گفت که من وقتی در تلویزیون ویا در فلم های سینمایی مشاهده میکردم که کسی محموله ویا بیک حاوی یک میلیون دالری را بجای انتقال میداد همیشه می خندیدم حالانکه من اکنون مبلغ سه میلیون دالر نقده را در یک چمدان آهنی با خود انتقال میدهم که چندان کار مناسبی نیست .



گاری شریون (Gary.C. Schroen)

گاری (Gary) در طول زندگی حرفه ای و ماموریت های خود چندین بار بسته ها و بندل های دالری را در بکس دستی ویا بیک خود بمنظور اجرای عملیات های چندی انتقال داده و آن مبالغ را به مردم و آنهایکه ماموریت شان را در عملیات هازیر نظر او انجام داده اند بشکل مدد معاش – اجوره ویا پاداش پرداخته است اما در اینجالبین پرسشی در ذهن خطور میکند و آن اینکه چرا آقای گاری این بار خلاف معمول که در گذشته ها پول کمتر انتقال میداد ولی اکنون مبلغ سه میلیون دالر را با خود دارد و آنرا انتقال میدهد پاسخ ساده و هویدا است و آن اینکه این پول بشکل صدقه به کسانی پرداخته میشود که او را در هدی که برای برآورده شدن آن موظف شده است یا رسانی .

گاری بصفه یک افسر متجرب در مقام مدیریت و اداره چی خوب برای سازمان سیا (سی آی ای) برای مدت بیشتر از «32» سال کار کرده است و اکثر ماموریت های او در تنظیم و تحقق عملیات های سری و مخفی (سی آی ای) بوده آنچنان مخفی و سری که اکثریت مردم چنین می اندیشیدند که ما ماموریت او در سازمان سیا (سی آی ای) یا یان یافته است یعنی که دیگر مامور (سی آی ای) نیست در حالیکه او بشکل پیگیر و دوام دار و مخفیانه وظیفه اش را کما فی سابق انجام میداد ، آقای **گاری** در سال «1970» در تحت پوشش مربوط به سازمان سیا در تهران و بعداً در اسلام آباد فعالیت نموده است او یعنی **گاری** برای آنکه از اسرار کارمندان بلند مقام درون دولت میزبان اطلاعاتی داشته باشد اکثر جواسیس را با مهارت های وظیفوی خود با پرداخت پول و تحفه و پاداش بکار میگمارید آقای گاری به حیث مدیر مسول «سی آی ای» در سال (1980) ایفای وظیفه میکرد که دفتر کار او در دوی بود و سپس بعنوان ریس بخش (سی آی ای) در جمع آوری اطلاعات از کابل موظف گردید یعنی در زمانیکه دفتر سفارت ایالات متحده امریکا به نسبت هجوم اتحاد جماهیر شوروی در کابل مسدود بود اما **گاری** اکثر عملیات های خود را طور مخفیانه در خارج از حومه اسلام آباد انجام میداد .

گاری در سال «1990» به حیث معاون مدیر سازمان سیاه واقع در عربستان سعودی و بعداً بصفه مدیر بخش عملیات های مخفی «سی آی ای» در خارج از کشور که عمدتاً علیه ایران به عملیات می پرداخت و سپس بعنوان مدیر (سی آی ای) از سال (1996 تا 1990) در اسلام آباد و بعداً به صفت معاون مدیر (سی آی ای) برای تنظیم و پیشبرد عملیات ها برای شرق نزدیک و جنوب آسیا در مقعر سازمان (سی آی ای) واقع در لانگلی (Langley) موظف گردیده و وظایف خویش را انجام داده است .

گاری تقریباً یک هفته بعد از بازنشستگی اش که خارج از منزل بود ، و چهار روز بعد از آن زمان ریس بخش ضد تروریسم سازمان (سی آی ای) آقای کوفر بلاک (Cofer Black) را با مکالمه ای تیلیفونی به دفتر کار خود فراخواند و در هنگام ملاقات به گاری گفت : « من میدانم که شما بازنشسته شده اید » بلکه ما میخواهیم که شما را همین اکنون در راس یک تیم کاری به بیرون از کشور ما مورسازیم چونکه شما یک شخص مجرب و منطقی هستید و ما بشما نیاز داریم که این ماموریت را انجام دهید - **گاری** علاوه بر آنکه صاحب تجربه و شخص ماهری است او در عین زمان به هر دو زبان های ملی و رسمی افغانستان اعم از دری و پشتونیز صحبت مینماید .

این تیم کاری که در راس آن آقای **گاری** گماشته شد یک تیم از نظر تعداد افراد کوچک و مشتمل از افراد شبیه نظامیان مربوط سازمان (سی آی ای) بود که در بخش عملیات های مخفی صاحب تجربه کافی و باهم متشکل بودند در تحت رهبری گاری قرار گرفتند .

گاری بعد از شنیدن صحبت کوفر بلاک (Cofer Black) آماده گی خود را بانجام این ماوریت ابراز نمود وگفت: وقتی که من در اسلام آباد اجرای وظیفه میکردم من چندین بار در تحت پوشش به افغانستان سفر نموده و با سران و رهبران ایتلاف شمال بار بار ملاقات نموده و همچنان با صرف ویا با گذاشتن بسته و محموله ای مبلغ (۲۰۰۰۰۰۰) دالر بروی میز جنگسالاران شامل کنفدراسیون شکنن وموی سفیدان قبا یلی راکه مخالف طالبان بوده اند بمرض گفت وشنود به نزد خود فراخوانده و با آنها ملاقات نموده ام .

اقای کوفر بلاک «Cofer Black» گاری را مخاطب قرار داده وچین گفت : شما بروید و ایتلاف شمال را دنبال نماید واز آنها تقاضا بعمل آورید که با ما مشترکاً کار کنند و نیرو های زمینی خود را آماده سازند که با ورد و رسیدن نیرو های ما بداخل افغانستان محل اجرای عملیات های مشترک با ما را نشانی وتعیین نمایند- نباید فراموش کرد که به جز از این الترناتیف دیگر هیچ پیشتیانی وجود نخواهد داشت صرف تا بعه و جا بجا کردن چند تیم نجات که در صورت وقوع اشتباه بتوانند نیروها را تحت حمایت و پیشتیانی خویش قرار دهند .

کوفر بلاک (Cofer Black) بعد از سپری شدن چهار روز **گاری** را بار دوم توسط مکالمه ای تیلیفون بتاریخ نهم سپتمبر به دفتر خود فراخواند و به اقای **گاری** گفت که این تیمی را که شما رهبری میکنید بصورت رسمی اسم آن تیم ارتباطی شمال افغانستان (NALT) و کود رمزی آن جا بریکر (Jawbreaker) میباشد که فردا این تیم به اروپا مواسلت خواهد نمود وبعداً به محل تعیین شده در داخل افغانستان یعنی به دره پنجشیر.



و شما هرچه زودتر اگر ممکن باشد آماده سفر شوید .
قرار بر این بود که کود جاوبروکر (Jawbreaker) برای چیزی دیگری مختص گردد

وریس جمهور میخواست یک کود جدید اطلاعاتی دیگری را توشیح نماید کود ویا هدایت اما دگی برای وارد نمودن ضربه فوری و فلج کننده - **کوفر بلاک** چنین هدایت داد که شما بتاسی از امر ریس جمهور یک ماموریت مبرم و تعیین کننده ای دارید و آن اینکه بروید القاعده ها را پیدا و شناسایی نماید آنها را از بین ببرید - بروید اسما بن لادن را پیدا کنید من میخواهم که سر از تن قطع شده ای بن لادن را در یک جعبه مقوای سرد (آیس بکس) گذاشته آن را به ریس جمهور ببرم و نشان دهم آیا شما از عهده این ماموریت بدر شده می‌تواند و یا نه؟ می‌خواهم از شما در مورد پاسخ روشن بشنوم؟ **گاری** در مقابل پاسخ داد و بعد از سپری شدن یک روز و اشنگتن را همراه با تیم کاری و عملیاتی خود بصوب محل از قبل تعیین شده ترک نمود و در راه سفر به آسیا توقف نمود و بصورت جنون آمیز سخت در انتظار کسب ویزه از نماینده گی های ازبکستان و تاجکستان بود.

گاری همراه با تیم عملیاتی خود نگران آن بود که بار اول از فراز مناطقی سوار بر هلیکوپتر برای مدت دو ساعت و نیم پرواز مینماید تا آنکه وارد خاک افغانستان شود و در محل از قبل تعیین شده جا بجا گردد - **گاری** هنگام مواصلت به تاشکند پایتخت ازبکستان توسط یک شخص از مامورین (سی آی ای) مورد استقبال قرار گرفت شخصی که او بشکل منظم با مقامات مسول ایتلاف شمال از طریق تیلیگرام و آلات مخابراتی همیشه در تماس بود از مواصلت تیم عملیاتی **گاری** به عضو رابط ایتلاف شمال توسط مخابره اطلاع داد و گفت که تیم عملیاتی سوار بر هلیکوپتر در راه عزیمت میباشند ولی آنچه که برای تیم عملیاتی این سفر قابل تشویش پنداشته میشد همانا عدم مصونیت مناطق تحت قلمرو ایتلاف شمال بود مبنی بر اینکه شاید هلیکوپتر آنها با فیر یک سنگر و مزایل و یا سلاح ضد هوایی (Z-23) توسط یک طالب و یا یک جنگجوی القاعده مورد اصابت قرار گیرد.

سرانجام جاو بریکر (Jawbreaker) حوالی ساعت سه بعد از ظهر (70) مایل دورتر در شمال کابل پایتخت افغانستان به زمین نشست و تیم ده نفری مشتمل بر گاری مدیر تیم، ویک معاون ارشد و یک افسر جوان مسول عملیات که او مدت چهار سال در پاکستان ماموریت داشت و به زبان دری فارسی نیز صحبت میکرد با یک شخص از کارمندان شبیه نظامی نیروی دریایی، یک دوکتور معالج و دو پیلوت و یک نفر تخنیکر هلیکوپتر که اکثر شان عمر در حدود (30) سال با سائز و چهره های مختلفی را داشتند همه با عینک ها و کلاه بیستبال بر چشم و سر مورد استقبال دو افسر مربوط به ایتلاف شمال قرار گرفتند چمدان ها و تمام وسایل تیم عملیاتی بالای یک موتر حمل گردید و تیم مهمان بعد از سپری نمودن یک مایل فاصله به مهمان خانه ای که در یک قریه کوچک موقعیت داشت مواصلت نموده جا بجا شدند - قابل تذکر است که چهار اطراف این مهمان خانه در فاصله های چند قدمی توسط گارد محافظ احاطه و عبور مرور هر کس دقیقاً تحت بررسی شد و قرار میگرفت نکته دیگری که باید بر آن مکتب نمود این بود که اکثر افسران ایتلاف شمال که از موضوع قبلاً واقف نبودند با مشاهده نمودن این تیم عملیاتی عصبانی شده و میخواستند که این تیم هر چه زودتر از نظر آنها دور شوند .

در حوالی ساعت های شش هفت بجه بعد از ظهر تیم مهمان با دریافت مخابره و تیلیگرام احساس مصونیت و امنیت نمودند و در همین وخت بود که آقای گاری یک

تیلیگرام ویا کبل کلاسیک به مرکز (سی آی ای) ارسال مینماید و در کبل ارسالی خود از آن مقام تقاضا بعمل می آورد که تمام ضروریات و وسایل و تجهیزات که طی یک لست فشرده به آن مقام در تیلیگرام مخابره شده هرچه زودتر به او ارسال نمایند - علاوه بر آن تجهیزات آقای گاری در لست وسایل ضروری خود یک جعبه ای سرد (آیس باکس) را نیز تقاضا نموده بود که در صورت امکان بعد از دستگیری **بن لادن** سرا ورا از تنه اش قطع و بداخل همین (آیس باکس) گذاشته و به آقای کوفر بلاک (ارسال نماید).



فوتوی از کابینه ای رییس جمهور بوش و تصمیمگیری
شان بر انجام عمل و تهاجم نظامی بالای افغانستان

احساس و تاثیر گذاری میلیون ها دالر: اولین ملاقات و بازدید **گاری** در شام همان روز با انجینر محمد عارف «سروری» رییس اطلاعات و امنیت و استخبارات ایتلاف شمال بود انجینر عارف هنگام ملاقات آقای گاری را شناسایی نمود چونکه او یعنی انجینر عارف آقای گاری را هنگامیکه گاری معاون مدیر بخش سیا در پاریس بود قبلاً در ملاقاتیکه در ماه دسمبر با احمدشاه مسعود (رهبر ایتلاف شمال که بعداً در حاشه رخداد یازدهم ماه سپتمبر اعدام شد) صورت گرفت بود دیده و با او مصافحه نیز نموده بود که به اینصورت آقای گاری برای انجینر عارف یک شخص شناخته شده و یار قدیم بود انجینر عارف با دیدن و شناخت آقای **گاری** کاملاً آرام و مستریح گردید.

آقای **گاری** در حین صحبت با آقای انجینر عارف مبلغ (500000) هزار دالر را در ده بسته و بندل سورت شده ای صد دالری بالای میز بجلو آقای عارف گذاشت گاری بدان باور بود که این مبلغ نسبت به (200000) هزار دالر تاثیر بیشتر خواهد گذاشت او یعنی آقای «گاری» آن چیزی بهتری که گفت اینچنین بود: **ما اینجا هستیم - ما بیشتر جدی و مصمم هستیم، اینست پول و ما کاملاً میدانیم که شما به پول ضرورت اشد دارید.**

آقای گاری افزود آنچه که ما از شما مطالبه و تقاضا مینمایم اینست که شما باید این پول را مورد استفاده قرار دهید یعنی با این پول غذا - لباس سلاح و هر آنچه که بخاطر هرچه بهتر تجهیز شدن نیروهای جنگی شما در کار است آنها را خریداری نماید

شما همچنان این پول را در عملیات های اطلاعاتی خود نیز بکار انداخته می‌توانید ما می‌توانم پول بیشتری در اختیار شما بگذاریم و بخاطر اطمینان شما اینک من از مرکز تقاضای ده میلیون دالر نرده نموده ام که عنقریب مواصلت مینماید .
انجینر «عارف» با ابراز تشکر آقای **گاری** را مخاطب قرار داده ورودشان را به نمایندگی از ایتلاف شمال خوش آمدید گفت .

گاری صریحاً گفت : طرح ویلان ما راه یابی ویاکشودن راه برای حضور نیروهای نظامی ایالات متحده امریکادر افغانستان میباشد ولی ما تاکنون هرگز نمیدانیم که نیروهای ما چگونه با ید به اینجا بیایند و تعداد آنها چند وچندان است ولی ما در هر صورت منتظر ورود نیروهای خاص نظامی خویش در اینجا هستیم - شما میدانید که این نیروهای خاص در واحد های کوچک بخاطر انجام عملیات های بویژه ای به اینجا می آیند و نیروهای جنگی و نظامی شما را کمک همه جا نده می نمایند تا با اشتراک هم در یک هم آهنگی بالای طالبان و مواضع مستحکم طالبان هجوم نمایند و آنها را به شکست مواجه سازند لذا ما با در نظر داشت همین هدف همکاری و هم آهنگی شما را ضرورت داریم . سپس انجینر عارف گفت : طرح ویلان خوب و عالی است .

یک روز بعد یعنی بتاريخ «27» سپتمبر حوالی ظهر به وقت محلی واقع در وادی پنجشیر آقای **گاری** ریس وپیشوای تیم عملیاتی ایالات متحده امریکا با « محمد فهیم » قوماندان نیروهای ایتلاف شمال و با « عبدالله » وزیر امور خارجه ایتلاف شمال ملاقات و به گفتگو پرداختند در این هنگام آقای **گاری** در جلو فهیم و عبدالله بروی میزی که در جلو آنها قرار داشت مبلغ یک میلیون دالر گذاشت و به آنها گفت که شما می‌توانید این پول را به شکل مناسب آن برای بر آورده شدن احتیاجات خویش مورد استفاده قرار دهید و یا بمصرف رسانید - در این هنگام محمد فهیم قوماندان ایتلاف شمال به **گاری** گفت : من در حدود (10000) مرد جنگی دارم و بشما بعرض میرسانم که این جنگجویان تحت قوماندان من از نظر داشتن تجهیزات نظامی و سلاح های بدر دو بخور و مدرن فقیر اند و ضرورت اشد به سلاح و مهمات جنگی دارند .

در ادامه صحبت ها که بین فهیم و آقای گاری جریان داشت - **گاری** گفت : « بوش » ریس جمهور به ما موریت من در اینجا علاقمندی خاصی دارد و او از شما میخواهد که ما را در جابجا سازی نیروهای خاص عملیاتی ما کمک نماید تا نیروهای ما وارد قلمرو افغانستان شوند و شما در این زمینه از هیچ نوع کمک خویش در جابجا سازی نیروهای ما دریغ نه ورزید چونکه آقای «بوش» در این مورد علاقمندی بویژه ای دارند . آقای گاری از ارتباطات مصون خود با واشنگتن بشکل اغراق آمیز یاد اوری نموده اذعان نمود و گفت هر آن اطلاعاتی و خبری را که من مینویسم و آنرا توسط کابل و یا تیلیگرام به واشنگتن ارسال و مخابره مینمایم ریس جمهور شخصاً تیلیگرام ها و خط های برقی من

را مطالعه و از نظر میگذراند که این خود در خور اهمیت میباشد او بیرون مبالغه چنین افزود: این صحنه ویا پردگاهی جهانی است.

« بعد از شنیدن صحبت های آقای **گاری** - «محمد فهیم» قوماندان ایتلاف شمال تشریف آوری تیم عملیاتی ایالات متحده امریکا را در تحت رهبری آقای **گاری** خوش آمدید گفت و چنین افزود: ما هر آنچه که در توان خود داریم در همکاری با شما از آن دریغ نمی ورزیم - «محمد فهیم» در این وقت یک پرسشی را طرح نمود و آن اینکه این جنگ ویا این عملیات علیه طالبان چه وقت آغاز میشود؟ نیروهای عملیاتی نظامی بویژه ای شما چه وقت وارد افغانستان میشوند؟

گاری در پاسخ به پرسش قوماندان «فهیم» گفت: من نمیدانم؟ اما اینقدر میدانم که نیروهای ما هر چه زودتر به اینجا می آیند چونکه ما آماده هستیم که نیروهای خود را در اینجا با کمک شما جا بجا سازیم و ما میخواهیم که هر عمل را در مقابل و علیه طالبان با هم مشترکاً انجام دهیم - من طوری فکر میکنم که شما قدری تحت تاثیر قرار گرفته اید چونکه شما هرگز تا حال آنچه را که ما علیه دشمنان خویش بکار برده ایم ویا انجام داده ایم آنرا شما ندیده اید.

چه کارها وچه چیزی که نشد؟ گاری چند تن از همراهان معیتی گروپ خود را بغرض ارزیابی از وضعیت جنگ به خط مقدم جبهه طالبان به مربوطات ولایت تخار به منطقه ای که در (60) مایلی قندوز قرار داشت اعزام نمود- هیئت اعزامی از نیروهای جنگی ایتلاف شمال در ولایت تخار با زدید بعمل آوردند و از با دسپلین بودن و لباس های با تمیزی که به تن داشتند و سلاحهای در دست داشته شان را ستره و پاکیزه نگهداشته اند رضایت خود را نشان دادند ولی به ارتباط حفظ و ایمنی بودن سلاحهای که مورد استفاده نیرو های ایتلاف شمال قرار داشت چنین اظهار نظر نمودند که این منطقه یک منطقه ای گرم جنگی نیست که سربازان در صفوف و قطارهای منظم صف آرایی کنند و به مشق و تمرین بپردازند در اینجا صرف یک مرکز فرماندهی وجود دارد ولی نه انقدر سربازان کافی که علیه طالبان به حرکت بیافتند چونکه در انطرف خندق های عمیق حفر شده که مانع هجوم نیروهای جنگی ایتلاف شمال میشود.

گاری میدانست که ستاد مرکزی (سی آی ای) معتقد به این امر است که طالبان از جمله آن دشمنان سرسختی اند که در مقابل هر نوع حملات هوایی ایالات متحده امریکا از خود مقاومت نشان میدهند و تمام هواخواهان خود را از زیر چتر بمب گذاری های نیروهای هوایی ما به محلات امن در افغانستان در منطقه ویا بویژه در پاکستان جابجا میسازند و از گزند بمب ها آنها را در امان نگه میدارند. بیجا نیست که آنها همگی در اطراف ملا محمد عمر گرد آمده و حلقه زده اند.

گاری به فراست و تجارب که داشت در وضعیت جنگ تفاوت های چندی را ملاحظه

کرد و او به این باور بود که اگر در خط مقدم جبهه طالبان بمب‌های سنگین پرتاب شود آنطوریکه او می‌پنداشت طالبان شکست می‌خورند و یا کم از کم در وضعیت و در لوحه و سیمای جنگ تغییرات قابل ملاحظه رونما می‌گردد. به‌صورت آقای **گاری** بتاريخ اول اکتوبر ملاحظات و ارزیابی‌های خود را از جنگ در افغانستان توسط یک تیلیگرام و خط برقی به ستاد مرکزی (سی‌آی‌ای) فرستاد او یعنی **گاری** در این نامه ای برقی خود نوشته بود که سقوط طالبان سریع و حتمی است در صورتیکه نیروهای هوایی ما به حملات خود در جاهای زیست طالبان برای چند روز و چند هفته ادامه دهند که به ادامه حملات هوایی نیروهای هوایی ما نه تنها که در تعداد و شمارش طالبانی که در اطراف ملا محمد عمر حلقه زده اند کاهش رونما خواهد گردید بلکه به انقراض حاکمیت طالبان نقطه پایانی نیز خواهد گذاشت. این راپور با سروصداهای مشکوک و شک و شبیه به مرکز وستاد (سی‌آی‌ای) مواصلت نمود سروصدا به اینصورت که ارزیابی این کارشناس مجرب و کهنه کار را به نظر کم‌گرفتند و آن ارزیابی را فاقد اعتبار پنداشتند ولی با آنهم رییس (سی‌آی‌ای) آقای جیورج جی تنیت (George J. Tenet) این گزارش و این راپور ارزیابی شده توسط **گاری** را به ملاحظه ای رییس جمهور (بوش) رسانید. رییس جمهور «بوش» به جورج تنیت گفت من همچو گزارشات بیشتر را به ارتباط جنگ در افغانستان می‌خواهم.



نیروهای خاصی ایالات متحده آمریکا در همکاری با نیروهای ائتلاف شمال و (سی‌آی‌ای) به هجوم هوایی علیه طالبان در اطراف مزار شریف.

بروز چهارشنبه مورخ سوم ماه اکتوبر **گاری** در پی جستجوی یک ساحه هموار و میدانی شد تا اگر بتواند مواد تدارکاتی و تجهیزات مورد ضرورت را در قلمرو تحت تصرف ائتلاف شمال تهیه و بدست آورد بعد از جستجو او توانست که به کمک مردم محل یک فرودگاه و یا میدان هوایی را بنام میدان هوایی گل‌بهار دریا بد میدانی که در سال

«1919» توسط انگلیس ها مورد استفاده قرار میگرفت - **گاری** از انجینر عارف ریس اطلاعات ایتلاف شمال پرسید که از این میدان استفاده میشود و یا میتوان که با صرف چند مبلغی این ساحه را هموار و تسطیح و آن را به فرودگاه تبدیل نمود روی این منظور ، گاری مبلغ (200000) هزار دالر را برای تسطیح نمودن این ساحه پرداخت و افزون بر آن سه عراده موتر جیپ را به مبلغ «19000» دالر خریداری نمود و مبلغ (22000) دالر دیگر را برای خرید یک تانکر که برای هلیکوپتر مورد استفاده شان مواد سوخت بیاورد تخصیص داد و این پول را به عارف ریس اطلاعات ایتلاف شمال داد و عارف نیز وعده سپرد که این تانکر ویا کمیون را از دوشنبه پایتخت تاجکستان خریداری مینماید و آن تانکر را به اینجا از راه کوه های صعب العبور انتقال میدهد که البته این تانکر تا هنوز که هنوز است نه خریداری شد و نه هم با اینجا انتقال داده شد .

در همان روزیکه **گاری** با انجینر عارف در پی جستجوی یک فرودگاه در قلمرو تحت تصرف ایتلاف شمال بود - ریس عملیات پروژه خاص ضد تروریسم ایالات متحده امریکا آقای بنام مستعار هنک (Hank) که نه خواست نام خانوادگی خود را معرفی نماید در تمپا (Tampa) با جنرال تومی ار فرانک (Gen. Tommy R. Frank) ریس فرمانده نیروهای ایالات متحده امریکا و مسول قومانده و پیشبرد جنگ ملاقات نمود و هر دو نقشه افغانستان را بملاحظه گرفتند در این وقت هنک (Hank) از جنرال فرانک پرسید که تیم شبهه نظامیان مربوط (سی آی ای) با نیروهای اپوزیسیون چگونه میتواند کار کند و یا آنها را چگونه باید سوق اداره نماید و یا آنها را چسان بحرکت آورد گروه اپوزیسیون که بیشتر شان همین نیروهای زمینی ایتلاف شمال میباشند که همین اکنون جنگ های زمینی را به پیش میبرند که این گروه ها با دید برای پیشبرد جنگ های زمینی تقویه شوند ولی اگر ایالات متحده امریکا اشتباه اتحاد جماهیر شوروی را تکرار نماید و نیروهای بیشتر به جنگ رویا روی و زمینی در اینجا بیاورد نماید بجز از حماقت چیزی دیگری نخواهد بود .

فرانک (Frank) گفت: تیم نیروهای خاص عملیاتی ایالات متحده امریکای ما محضاً اهداف اصلی و دقیق را با پرتاب بمب های قوی و سنگین مورد ضربه قرار خواهند داد نقاطی و یا اهدافی را که کارمندان اطلاعاتی ما از زمین به نیروهای هوایی ما نشانی و بعداً به آنها مخابره نمایند .

هنک (Henk) که خود در تحت دستور و فرماندهی ریس سازمان (سی آی ای) آقای جورج تنیت (Tenet) میباشد به ارتباط نیروهای خاص عملیاتی و شبهه نظامیان متعلق به سازمان (سی آی ای) مقیم در افغانستان این چنین خاطر نشان ساخت و آن اینکه این نیروها کاملاً در تحت نظر و قومانده جنرال فرانک قرار میگیرند و سازمان « سی آی ای » که من مسولیت آن ها را در اینجا دارم تمام مشخصات این کارمندان را بشمول

توانایی های آنها ، موقعیت آنها و ارزیابی های که ما از آنها نموده ایم به اختیار و دسترسی جنرال فرانک قرار میدهم و متمنی ام که جنرال فرانک این نیروهای ما را همه جا نبه در تحت نظر و دستپلین خود قرار داده و نگذارد که آنها در هنگام اجرای وظایف محوله خویش مرتکب اعمال غیر مجاز و غیرقانونی شوند . پس در اینصورت نیروهای خاص ما در افغانستان به حیث شریک ویا پارتنر در تحت فرمانده جنرال فرانک قرار میگیرند .

فرانک اساساً با این طرح **اقای هنک** موافقت کرد و او یعنی جنرال **فرانک** افشا نمود که بمباران بالای طالبان و مواضع آنها بتاريخ ششم اکتوبر طبق پلان از قبل طرح شده اعاز میگردد و برای مدت سه روز دوام خواهد نمود .



وقتیکه طالبان در جنوب شرق در مرکز فرماندهی خود یعنی قندهار شکست خوردند اکثر نقاط افغانستان توسط ایالات متحده امریکا و ائتلاف شمال متحد امریکا در آمد که یک موفقیت چشمگیری میتوان تلقی کرد

هنک (Hank) به ارتباط مصارف پول در افغانستان چنین روشنی انداخت که ما با پول های درست داشته و تخصیص داده شده ای خود در اینجا بسا اقدامات مخفی و پنهانی را انجام داده ایم اداره (سی آی ای) با مبالغ قابل ملاحظه غذا - پتو - لباس های زمستانی ادویه و..... را خریداری نمود و این مواد را در بسته ها از هوا به زمین پرتاب نمود تا مردم نیازمند آن بسته ها اخذ و مورد استفاده خویش قرار دهند قابل تذکر است که با پرداخت مبلغ کمتر از (۵۰۰۰۰) میتوان جنگسالاران - فرماندهان و صدها نفر جنگجو را خریداری نمود **اقای هنک** گفت اگر ما این حق را داشته باشیم ویا بما اجازه داده شود ما میتوانیم تعداد زیاد از طالبان را بیدون از آنها را بکشیم ویا بقتل برسانیم آنها را با پول خریداری نمایم . بهر صورت در اینمورد جنرال گفت :
تا وسط ماه اکتوبر ، جاوبریکر (**Jawbreaker**) تا هنوز یگانه تیم از امریکایی ها در روی زمین ویا اراضی افغانستان وجود دارند که در پی نشانی کردن و شناخت اهداف کلیدی دشمن برای پرتاب بمب های سنگین نیروهای هوایی ما در فعالیت اند .
» فهمیم قوماندان ائتلاف شمال به **اقای گاری** گفت شما بالای خط مقدم جبهه ضربه

وارد نماید و مواضع طالبان والقاعده تحت بمب گذاری قرار دهید» - «من میتوانم که کابل را در تحت تصرف خود درآورم ویا اگر شما برای عبور نیروهای من یک معبر باز نماید من میتوان قندوز را تصرف نمایم جنگجویان و سربازان من همه جا نبه آماده به جنگ و هجوم اند» - فهیم قد کوتاه و کلفت همچو یک قاتل خونخوار دیده میشود و ظاهر آن چنان معلوم میشود که او تا حال ممکن سه مراتب بینی خود را شکستنا نده باشد محمد فهیم قوماندان ایتلاف شمال نیروهای خود را با البسه جدید ساخته بود و منتظر بمب گذاری فرسش گونه ای نیروهای هوای ایالات متحده امریکا بود که چه وقت هجوم هوایی آغاز میشود تا که او به حمله و هجوم بپردازد.

گاری جنرال فهیم قوماندان ایتلاف شمال را در صحرا ویا در دشت واقع در شمال ملاقات نمود محلی که در شمال کابل موقیعت داشت و نیروهای مربوط او و طالبان در خندق های حفر شده و در سنگرها با هم رو در رو در حال جنگ بودند - **گاری** افزود که جنرال فهیم با همان کله شقی میگفت که اگر نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا بالای خط مقدم جبهه بمب گذاری نماید قوت های ایتلاف شمال در مدت یک روز کابل را به تصرف خود در می آورند. بمب گذاری ها در سراسر کشور تاهنوز همه چیز را بسر نرسانید ویا تاهنوز انجام نداده است - جنرال فهیم گفت که نفرهای او بعضی از وسایل مخابراتی ویا تامین ارتباطات مخابراتی طالبان را متوقف ساخته اند و این خود نشان میدهد که طالبان قطع روابط مخابراتی را چندان جدی نگرفته که این وضع باعث ناامیدی جنرال گردید و او به خط مقدم جبهه طالبان اشاره نموده گفت نگاه کنید که آنها در آنجا همه دشمن هستند و اگر آنها دیپو ها ویا ذخایر مهمات و سلاح خود را در قندهار منفجر سازند این انفجارات هیچ کاری برای آنها نمیتواند بکند.

گاری از این وضع چنین برداشت نمود که قطع تماس های مخابراتی بین فرماندهان ممکن است یک احساس خوبی برای واشنگتن در برداشته باشد ولی میتوان گفت که چندان کارایی نخواهد بود.

. حوالی ساعت (10:20) مورخ نهم ماه اکتوبر تیم جاوبریکر یک نقطه را در میدان ویا در دشت شومالی (Shomali) بخاطر فرود آمدن یا لندنگ نشانی کردند یعنی اولین تیم از نیروهای بویژه ایالات متحده امریکا بنام تیم شماره (555) یا (Triple Nickel) سرانجام به نقطه نشانی شده شان بعد از توقف و انتظار کشیدن چند روز به نسبت باران های پی در پی و خرابی هوارسیدند دو هلیکوپتر با مارک (MH-53J pave Low) که نسبتاً از جمله هلیکوپترهای کلان و بزرگ نیروی هوایی بود پیلوتان آن هواپیماها به نسبت عدم شناخت دقیق نقطه ای که باید فرود می آمدند کمی از هم دور تر از نقطه از قبل نشانی شده در حال فرود آمدن به زمین بودند که در این هنگام فرمانده ارتش دوید و یاز (David Diaz) و (۱۲) نفر از تیم الف (A) خود را هدایت داد که همه از هلیکوپتر

ببرند و به زمین فرود آیند آنها کسانی بودند که باید با چشمان باز و تیزبین خود هدف اساسی را شناخته و با مخابره آن نقطه ای اساسی را توسط آلات مخابراتی به پیلوتان مخابره نمایند تا آن پیلوتها آن نقطه را با پرتاب بمب های سنگین و ضربات خرد کننده از بین ببرند .

نکته مهم دیگر اینکه هر کدام از این دوازده عضو مسولیت بوزن (300) پوند تهیه و تدارک تجهیزات و آلات بشمول وسایل لایزری را که در تعیین هدف وسیله ممد میا شد بدوش داشتند .

در هفته بعدی تیم نیروهای خاص با بکاربردن وسیله ای لیزری نیروی هوایی را در شناخت سمت و سو هدف اساسی و اصلی راهنمایی کردند - و از سوی دیگر در این وقت چنین پنداشته میشد که این تیم موفقیت های اولی را بدست آورده اند .

گاری توانست که تا ثیر و بقایای بمب گذاری های نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا را بر اهدافی از قبل تعیین شده ملاحظه نماید او در مورد چنین افاده نمود که اگر این بمب گذاریها بنا به بعضی دلایل به اهداف اساسی و اصلی از قبل تعیین شده اصابت نمیکرد وضع جنگ طور دیگری می شد. بهر صورت **گاری** در بسا موارد شاهد آن بوده که تیم الف (A) عملیاتی ایالات متحده امریکا که او از آن سرپرستی می نماید کاروان موثر های مربوط شورشیان طالب و القاعده را در خط جبهه که تعداد آن لاری ها (20) عدد بود با پرتاب بمب های خرد کننده پا رچه پا رچه نموده و از بین برده است تا جاییکه یکی از همین لاری ها جان به سلامت نه برده و هواپیما های بمب افکن ما تا هنوز بر مواضع و اهداف ثابت و تعیین شده دشمن بمب گذاری مینماید .

گاری در عقب میز یکی از ده کمیوتر اعضای تیم خود با وجودیکه هوا غبار آلود پراز خاک و دود بود نشست و یک گزارش مفصل از وضع موجود جنگ نوشت و آن گزارش را توسط خط الکتریکی و یا ایمیل به ستاد مرکزی (سی آی ای) فرستاد - **گاری** در این گزارش خود تذکر داده بود که اگر ما در طرح و تکنیک جنگ با طالبان تغییر را بوجود نیآوریم ممکن است که همه چیز را از دست دهیم چونکه طالبان با پرتاب بمب های ما فکر میشود که تا همین اکنون زنده و فعال اند و از جانبی نیروهای ایتلاف شمال تاکید می ورزند که ما آمده جنگ هستیم بگذارید که بجلو برویم مطلب قابل نگرانی در اینجا است که اگر ما تقاضای نیروهای جنگی ایتلاف شمال را که آنها آماده جنگ اند نه پذیریم آنها دیگر بالای ما اعتماد نخواهند کرد آنها میگویند که نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا باید بدون وقفه برای مدت سه و یا چهار روز بالای مواضع طالبان بمب گذاری نماید آنوقت است که طالبان شکست میخورند و ما به پیشروی خود ادامه میدهم و مواضع را از تصرف طالبان بدست می آوریم .

گاری این گزارش را در دو صفحه نوشت و بعداً به ستاد مرکزی (سی آی ای) ارسال

نمود که بعد از مواصلت گذارش به دفتر مرکزی تحت مطالعه ریس اطلاعات سیاه آقای جورج تنیت (Tenet) قرار گرفت و بعداً آقای تنیت تصمیم گرفت که این گذارش آقای گاری را به ملاحظه ریس جمهور (بوش) با خود به قصر سفید ببرد.

اینهم یکی مقرون به صرفه جویی (That's one Bargain): هنک (Hank) با برخی از تیمهای شبهه نظامی مربوط به آژانس (سی آی ای) بمنظور ارزیابی خط مقدم جنگ به افغانستان رفت - این تیم های شبه نظامی برای اجرای عملیات های پنهانی خود مبالغ هنگفت دالر را بشکل نقده به مصرف رسانیدند و توانستند که با مصرف و توزیع این پول ها هزاران عضو گروه جنگی طالبان را خریداری نمایند گرچه نیروهای ایتلاف شمال در تلاش بودند که آنها باید زمینه شکست طالبان و القاعده را خود مساعد سازند و آنها موجب شکست طالبان شوند ولی همراهان آقای هنک (Hank) ترجیح دادند که با دید با سران و فرماندهان طالبان بشکل پنهانی مذاکره نمایند و آن سران و فرماندهان طالبان را بپرداخت پول نقد بخرند چنانچه در این عمل خود موفق نیز گردیدند و برای هر یک از قوماندان طالب مبلغ (10000) دالر و برای هر یک از فرمانده طالب مبلغ (50000) دالر و برای صدها جنگجوی طالبان دالر طور نقده پرداختند و به این شکل آنها را خریداری نمودند.

مطلب قابل تذکر اینکه به ارتباط خرید فرماندهان طالبان در یک مورد پرداخت مبلغ (۵۰۰۰۰) دالر به یک فرمانده و یا یک قوماندان طالبان یک سو ظن و مغالطه رونما گردید و آن اینکه این فرمانده طالبان به کسیکه به او این مبلغ را میپرداخت گفت بمن اجازه دهید که درین ارتباط فکر نمایم همان بود که ریس تیم عملیاتی تیم الف به نیروهای تحت فرمان خود هدایت داد که در بیرون از کمپ این فرمانده طالبان که نخواست باما معامله نماید و در بدل پرداخت (50000) او را خریداری نمایم بمب پرتاب نماید که البته این هدایت ریس تیم بجا شد و یک روز بعد از آن همان فرمانده طالبان را فرخوانده به او گفته شد که میشود که بشما مبلغ (40000) دالر بپردازیم و شما برای ما و به نفع ما علیه ما از جنگ دست کشید - قوماندان و یا فرمانده طالبان این امر را پذیرفت و آن مبلغ (40000) را گرفت و از خصومت علیه امریکایی ها دست کشید.

تیمهای خاص مربوط (سی آی ای) در اطرف مزار شریف در شهری با داشتن (200000) جمعیت پوشیده با خاک و دود در حدود (۳۵) مایل دورتر از مرز ازبکستان متمرکز و جابجا شدند در اوایل یک هفته یک دگروال تیم نیروهای خاص عملیاتی در منطقه و ساحه با پنج نفر دیگر رخنه و نفوذ کردند و برای انجام عملیات مخفی با پنج نفر معینتی اش در آن ساحه هماهنگ شد و تیم توانست که در هماهنگی با این پنج نفر نقاط و اهداف ثابت طالبان را بعد از نشانی کردن به نیروهای هوایی مخا بره نماید تا از هوا بالای آن اهداف بمب گذاری صورت گیرد و با اینصورت نیروهای هوایی ایالات

متحدہ امریکا توانستند کہ خندق‌ها و گودال‌های حلقوی را که در اطراف این شهر باستانی توسط طالبان حفر گردیده بود واستحکامت‌شان بود تحت ضربات خردکننده ای بمب‌گذاری خویش قرار دهند .

یک تیم از نیروهای خاص عملیاتی به چهار واحد پیشتیانی نزدیک هوایی بیش از (50) مایل بالاتر از زمین بالای کوه‌های ناهموار و گسترده تقسیم شدند عدم وجود اهداف ثابت برای آنکه این واحد‌های پیشتیانی منقسم شده بشکل آزادانه بالای آن اهداف میتوانستند بمباری نماید بویژه وقتیکه آنها اگر بمب‌گذاری‌های‌شان را توسط واحد توپخانه‌های در دست داشته خود تحت ضربه قرار میدادند ولی تفاوت بزرگ سایر مهمات و محدودیت‌ساحه دید بود این بمب‌ها دارای وزن (۵۰۰) پوند بود که با پرتاب آن بالای طالبان چنان شد که خطوط تدارکاتی و ارتباطات مخابراتی طالبان شدیداً متاثر شده و از هم پاشید و به هزارها وسایط نقلیه و پناگاه‌های طالبان طعمه آتش بمب‌گذاری‌های تیم نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا گردید و ازجانبی به هزارها طالب محکوم بمرگ و صدها نفر طالب دستگیر و یا شکاری هم مجبور به فرار شدند .
خشونت گسترده ای ایالات متحده امریکا از مغان نیروهای در حال هماهنگی آن کشور بود .

بتاریخ نهم نومبر مزار شریف سقوط کرد سه روز بعد از آن قصر سفید مطلع شد که کابل پایتخت افغانستان از تصرف طالبان آزاد شد و همچنان بتاریخ هفتم دسمبر شهر قندهار و سنگرهای مستحکم جنوبی طالبان سقوط کرد و طالبان در آنجا شکست خوردند ، نیروهای ایتلاف شمال از ساحه بطور موثر بیرون شدند کشور در تحت تصرف اتحاد پشتون‌ها و ایالات متحده امریکا قرار گرفت .

بطور کل آنچه را که ایالات متحده امریکا در بیرون راندن و سقوط طالبان تعهد سپرده بودند با همت و اشتراک فعال (110) نفر افسران (سی‌ای‌ای) ، (316) نفر پرسونل نیروهای خاص جمع تعداد غفیری از نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا موفقانه عملیات را به سر رسانیدند .

ریس و دایرکتر عمومی آژانس (سی‌ای‌ای) آقای (جورج تینیت) با مباحثات و افتخارات آنچه را که نیروهای تحت رهبری او در افغانستان موفقانه انجام دادند آن به نیکی یاد نمود .

پول از قبل تخصیص داده شده به استثنای آن مبالغی که بخاطر بسیج قبایل سنتی هزینه شده بود در موارد مناسب و کاری با کسب دستاورد‌ها بمصرف رسید یعنی حرکت از نقطه الف (A) به نقطه ب (B) با مصارف چندین هزار دالر ممکن گردید پس میتوان گفت که گذاشتن بسته‌های پول بروی میز نقش زبان جهانی ویا سرتا سری را ایفا میکند آنچنانیکه این حقیقت رانیروهای شبهه‌نظامی و افسران آژانس (سی‌ای‌ای) در افغانستان

تحقق بخشید ند بهر صورت حسب محاسبه سازمان (سی آی ای) مبلغ (70) میلیون دالر در این جنگ بمصرف رسید البته که یک بخشی از این پول بخاطر بهبود وضع شفاخانه ها بکار برده شده است با در نظر داشت مصرف مبلغ (70) میلیون دالر مصاحبه ای با بوش صورت گرفت - «بوش» با صدای بلند گفت اینهم یکی نزدیک به صرفه جویی یعنی ما توانیستیم که با صرف این مبلغ آنچه هدف داشتیم به آن نایل آمدیم و این پول یک بخش ناچیز آن مبالغی را در بر میگیرد که اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان بمصرف رسانید و سر انجام از نظر اقتصادی باعث سقوط اتحاد جماهیر شوروی گردید

چند سطر در مورد نویسنده و تهیه کننده ای این گزارش : باب اودوارد یک ژورنالیست امریکایی و مولف چندین کتاب میباشد او از سال (۱۹۷۱) به اینطرف بحیث خبرنگار و راپورتر واشنگتن پست ایفای وظیفه مینماید



باب اودوارد (Bob Woodward)

با تقدیم سلام ها